

## بررسی رابطه انسجام اجتماعی و توسعه انسانی پایدار در مناطق محروم (مورد مطالعه: شهرهای خاش، سراوان و سرباز استان سیستان و بلوچستان)

دکتر مهدی بیگدلو<sup>۱</sup>

تاریخ وصول: ۹۶/۱۱/۱۷

تاریخ پذیرش: ۹۶/۱۱/۱۲

چکیده:

توسعه‌ی پایدار به‌عنوان یکی از کامل‌ترین و مستم‌ترین اشکال توسعه‌ی زمانی که عاملیت انسانی را در مرکز توجه خود قرار دهد از قابلیت بیشتری برای تسهیل زندگی بشری برخوردار می‌شود. اما دستیابی به این توسعه‌ی انسانی پایدار نیاز به صرف هزینه‌های بالایی دارد و چنانچه قابلیت درونی یک مجموعه انسانی مد نظر قرار گیرد ضمن کاهش هزینه‌های توسعه، تداوم بیشتری برای آن متصور خواهد بود. تحقیق پیش رو به روش موردی - زمینه‌ای به بررسی ارتباط انسجام اجتماعی در شهرهای خاش، سراوان و سرباز با توسعه‌ی انسانی پایدار در این شهرها می‌پردازد. بدین منظور از پرسشنامه‌ی ۲۱ سؤالی بر مبنای نظریه‌ی انسجام اجتماعی میلر و شاخص‌های توسعه‌ی انسانی پایدار استس، جانستون، نانسی و استیگنیتز بهره‌گرفته شده است. تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از پرسشنامه با استفاده از آزمون آماری اسپیرمن حاکی است که با ۹۹ درصد اطمینان می‌توان ادعا نمود رابطه‌ی بین انسجام اجتماعی و توسعه‌ی پایدار انسانی در این سه شهر استان سیستان و بلوچستان معنادار است و شدت رابطه ۰/۶۰۵ با جهت رابطه‌ی مثبت نشان‌دهنده‌ی این است که رابطه‌ی قوی بین دو متغیر برقرار است و می‌توان با تقویت انسجام اجتماعی، توسعه‌ی انسانی پایدار را ارتقاء داد.

مفاهیم کلیدی: انسجام اجتماعی، توسعه‌ی اجتماعی، توسعه‌ی انسانی، توسعه‌ی پایدار

<sup>۱</sup> دکتری جامعه‌شناسی سیاسی دانشگاه تهران و عضو هیئت علمی دانشکده فارابی bigdeloo@ut.ac.ir

## مقدمه و بیان مسأله

توسعه‌ی پایدار برای جوامع امروزی ضرورتی بدون جایگزین است که برخلاف الگوهای قبلی توسعه، بر توسعه‌ی همه‌جانبه استوار است. رویکرد توسعه‌ی پایدار الگویی را به دست می‌دهد که در آن علاوه بر توسعه‌ی اقتصادی می‌توان هم عدالت اجتماعی (برابری) و هم پایداری محیط زیست را دنبال کرد (حسن‌زاده و ایزدی جیزان، ۱۳۸۸: ۳۴)؛ به طوری که مانگی<sup>۱</sup> نیز با تأکید بر عدالت اجتماعی، توسعه‌ی پایدار را در حقیقت بهبود ممتد در سطوح زندگی مردم به‌ویژه افراد فقیر و گروه‌های فاقد مزیت می‌داند (اکبری، ۱۳۹۱: ۴۰).

در ایران با وجود تجربه‌ی ۶۰ ساله برنامه‌ریزی توسعه، به دلیل غلبه اقتصاد نفتی و سایر عوامل دیگر که ریشه‌ی تاریخی و ساختاری دارند، برنامه‌های توسعه نتوانسته است مظاهر عقب‌ماندگی را در اجتماعات محلی و به خصوص روستایی کاهش دهد (حسن‌زاده و ایزدی جیزان، ۱۳۸۸: ۲۸). البته این مظاهر عقب‌ماندگی فقط به اجتماعات محلی خلاصه نمی‌شود و بعضاً برخی استان‌ها را نیز تحت تأثیر قرار داده است که یکی از این استان‌ها، استان سیستان و بلوچستان است. این استان از نظر وسعت، سومین استان پهناور کشور پس از خراسان و کرمان است و ۱۸۱۷۵ کیلومتر مربع یعنی معادل ۱۱/۰۳ درصد مساحت کشور را در بر دارد. میزان تراکم نسبی جمعیت در استان حدود ۱۳ نفر در هر کیلومتر مربع است و یکی از کم‌تراکم‌ترین استان‌ها محسوب می‌شود که حدود ۵۵ درصد جمعیت در مناطق روستایی و بقیه در مناطق شهری زندگی می‌کنند و جمعیتی معادل ۲/۶٪ جمعیت کل کشور دارد.

هر چند شرایط این استان پیگیری الگوی توسعه‌ی پایدار را ضروری می‌نمایاند اما اصلاح و اختصاص منابع در شرایط فعلی کشور با موانع دشواری چون زمان‌بر بودن، محدودیت تأمین منابع و ... روبروست که بهره‌گیری از ظرفیت‌های داخلی می‌تواند تا حدودی پیگیری این الگو را تسریع و تسهیل کند.

به نظر می‌رسد پرداختن به ظرفیت‌های درونی این استان برای توسعه‌ی پایدار به دلیل کاهش هزینه‌ها، افزایش مشارکت و اعتماد عمومی و ... از اهمیت بسزایی برخوردار است به طوری که بی‌توجهی به آنها به دلیل کاهش امنیت روانی مردم و ایجاد مانع برای فرایند توسعه حتی ضروری به نظر می‌رسد؛ بنابراین پرداختن به یکی از قابلیت‌های درونی

<sup>۱</sup> Mwangi

مردم این استان و توسعه‌ی آن در سطح جامعه با عنوان انسجام اجتماعی و ارتباط آن با توسعه‌ی پایدار انسانی هدفی است که تحقیق حاضر در پی دستیابی به آن است.

### پیشینه پژوهش

#### الف) تحقیقات داخلی

مکیان و بی‌باک (۱۳۹۴)، در مقاله‌ی خود با عنوان «تأثیر حکمرانی خوب بر توسعه‌ی انسانی: یک تحلیل بین کشوری» از چندین متغیر کنترلی و مدل *FGLS* استفاده کرده و به این نتیجه دست یافته‌اند که در کشورهای سازمان همکاری و توسعه‌ی اقتصادی<sup>۱</sup> رابطه‌ی مثبت و معناداری بین شاخص حکمرانی خوب و آزادی اقتصادی با توسعه‌ی انسانی وجود دارد، اما در کشورهای اسلامی این رابطه از نظر آماری معنادار نیست که نشان‌دهنده‌ی ضعف حکمرانی خوب و آزادی اقتصادی در این کشورها و تأثیر نامناسب آن بر شاخص توسعه‌ی انسانی است (مکیان و بی‌باک، ۱۳۹۴: ۱۴۷-۱۳۱).

شکوری و تقی‌زاده اصل (۱۳۹۵)، در مقاله‌ی «مطالعه‌ی تأثیر اندازه‌ی دولت بر شاخص توسعه‌ی انسانی در طی سه دهه‌ی پس از انقلاب (۱۳۵۷-۱۳۸۷)» با استفاده از نتایج الگوهای اقتصادسنجی نشان می‌دهند که هر چند افزایش هزینه‌های سرمایه‌ای (عمرانی) بر شاخص توسعه‌ی انسانی تأثیر مثبت داشته، رشد هزینه‌های مصرفی (جاری) نه تنها دارای تأثیر مطلوبی نبوده بلکه در طی زمان اثری منفی بر این شاخص گذاشته است (شکوری و تقی‌زاده اصل، ۱۳۹۵: ۱۰۰-۷۹).

میرووسی نیک (۱۳۹۴)، در مقاله‌ی «توسعه‌ی انسانی و عدالت جنسیتی در رویکرد قابلیت‌های آمارتیاسن» با روش تحلیلی - تفسیری و در چارچوب اندیشه‌ی سیاسی به بررسی مهم‌ترین مفروضات نظری «رویکرد قابلیت‌های آمارتیاسن و آثار آن بر حوزه‌ی عدالت جنسیتی پرداخته و به این نتیجه دست یافته که بررسی جنسیتی نظریه‌های توسعه، حاکی از نارسایی آنها در زمینه‌ی مسائل زنان و موانع جنسیتی آنها در برخورداری از فرصت‌ها و منابع واقعی زندگی است؛ این رویکردها یا نگرش انفعالی به زنان دارند یا با تلقی انتزاعی از آزادی و فرصت برابر، از توانمندی آنها غافل می‌شوند (میرووسی نیک، ۱۳۹۴: ۷۲-۴۲).

<sup>۱</sup> OECD

امام‌جمعه‌زاده و همکاران (۱۳۹۲)، در مقاله‌ای با عنوان «بررسی رابطه‌ی مصرف رسانه‌ای و انسجام اجتماعی (مطالعه‌ی موردی: جوانان شهر تبریز)» به روش پیمایشی با تقسیم انسجام اجتماعی به چهار متغیر (گرایش به ارزش‌های اجتماعی، احساس تعلق اجتماعی، گرایش به انتظام اجتماعی و مشارکت اجتماعی) و در نظر گرفتن سه نوع وسایل ارتباط جمعی (رسانه‌های چاپی، الکترونیک و دیجیتال) نشان داده‌اند که همبستگی معناداری میان مصرف رسانه و انسجام اجتماعی پاسخ‌گویان وجود دارد (امام‌جمعه‌زاده، ۱۳۹۲: ۳۱-۹).

زراعت‌کیش و همکاران (۱۳۹۵)، در تحقیقی توصیفی - تحلیلی با عنوان «ارزیابی شاخص توسعه‌ی انسانی در روستاهای استان کهگیلویه و بویراحمد» و با استفاده از آمار و اطلاعات برگرفته از سالنامه‌های آماری، مراکز آموزشی و بهداشتی، سازمان آموزش و پرورش و سایر ادارات و سازمان‌های مربوطه استان کهگیلویه و بویراحمد، به این نتیجه دست یافته‌اند که وضعیت توسعه‌ی انسانی در روستاهای استان نسبت به سال‌های گذشته بهبود یافته و شاخص درآمد نتوانسته سهم قابل قبولی در روند شاخص توسعه‌ی انسانی مناطق روستایی داشته باشد (زراعت‌کیش و همکاران، ۱۳۹۵: ۵۳-۴۳).

زبیری و کریمی موغاری (۱۳۹۲)، در مقاله‌ی «اثر انسجام اجتماعی بر توسعه‌ی اقتصادی (مطالعه‌ی بین‌کشوری با رویکرد داده‌های تابلویی)»، با استفاده از دو مؤلفه‌ی برابری در توزیع فرصت‌ها و سرمایه‌ی اجتماعی به برآورد شاخص انسجام اجتماعی در ۸۵ کشور منتخب توسعه‌یافته و در حال توسعه طی دوره‌ی ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۰ پرداخته و به این نتیجه دست یافته‌اند که انسجام اجتماعی اثر مثبت و معناداری بر رشد تولید سرانه، نوآوری‌های فنی، اثربخشی نهادهای دولتی، کیفیت سیاست‌های توسعه و در نهایت ثبات سیاسی و اجتماعی داشته است (زبیری و کریمی موغاری، ۱۳۹۲: ۶۲-۳۹).

در تحقیقات صورت گرفته پیرامون توسعه‌ی پایدار نیز به عوامل مختلفی چون توریسم تاریخی - فرهنگی (حمدی و همکاران، ۱۳۸۸)، تمرکززدایی (اطاعت و موسوی، ۱۳۸۹)، نقش زنان (اکبری، ۱۳۹۱)، جمعیت (اطاعت، ۱۳۹۰) و بازارهای اخلاقی (طباطبایی و مافی، ۱۳۹۲) اشاره شده است.

**ب) تحقیقات خارجی**

ایسترلی<sup>۱</sup> (۲۰۰۶)، در پژوهشی با عنوان «انسجام اجتماعی، نهاد و رشد» یکی از مهم‌ترین موانع اصلاحات در کشورهای در حال توسعه و کمتر توسعه‌یافته را محدودیت‌های اجتماعی برمی‌شمرد که این محدودیت‌ها از طریق میزان انسجام اجتماعی ایجاد می‌شود؛ به طوری که انسجام اجتماعی با تعیین کیفیت نهادها نقش مهمی در انتخاب و اجرای طرح‌های توسعه‌ای و دستیابی به رشد اقتصادی و توسعه‌ی پایدار دارد.

نورث و همکاران<sup>۲</sup> (۲۰۰۹)، در تحقیق «خشونت و دستورات اجتماعی؛ چارچوبی مفهومی برای تفسیر تاریخ مستند بشر» با بررسی رشد تولید سرانه‌ی ۱۸۴ کشور در دوره‌ی ۱۹۵۰ تا ۲۰۰۴ به این نتیجه رسیدند که توسعه‌ی اقتصادی حاصل رشد سریع‌تر اقتصادی نیست بلکه محصول توانایی جامعه در مدیریت هزینه‌ها از طریق سازمان‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است. وی دلیل تفاوت قابلیت کشورها در مدیریت هزینه‌ها را تفاوت ترتیبات اجتماعی آنها دانسته است.

دیکس و همکاران<sup>۳</sup> (۲۰۱۱)، در پژوهش «یک ارزیابی چندبعدی از انسجام اجتماعی در ۴۷ کشور اروپایی» از نظر سیاسی و فرهنگی - اجتماعی از ترکیب شاخص اعتماد به نهاد‌های سیاسی و دولتی و مشارکت سیاسی با شاخص میزان اتحاد و شاخص مشارکت اجتماعی و فرهنگی استفاده کردند که نتایج پژوهش آنها نشان داد که در میان کشورهای مورد بررسی، اروپای شمالی بیشترین و ترکیه و شوروی سابق کمترین میزان انسجام اجتماعی را دارند.

کونستانتینی و مونی<sup>۴</sup> (۲۰۰۸)، در مقاله‌ی «محیط، توسعه‌ی انسانی و رشد اقتصادی» با بررسی روابط بین رشد اقتصادی، توسعه‌ی انسانی و محیط زیست در کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه در دوره‌ی ۱۹۷۰ تا ۲۰۰۲ به این نتیجه دست یافتند که در مراحل اولیه‌ی توسعه‌ی انسانی ناپایداری منابع افزایش یافته و پس از رسیدن به نقطه‌ی بازگشت کاهش می‌یابد.

هافمن و لی<sup>۵</sup> (۲۰۰۹)، در مقاله‌ی «چشم‌انداز انرژی کانادا و سیاست‌هایی برای توسعه‌ی پایدار» پس از بررسی چشم‌انداز انرژی کانادا و سیاست‌های توسعه‌ی پایدار در

<sup>1</sup> Easterly

<sup>2</sup> North & et al

<sup>3</sup> Dicks & et al

<sup>4</sup> Costantini & Monni

<sup>5</sup> Hofman & Li

دوره‌ی ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۴ به این نتیجه دست یافته‌اند که افزایش بازده انرژی و استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر برای دستیابی به توسعه‌ی پایدار ضروری است. رانیز و استوارت<sup>۱</sup> (۲۰۰۳)، در پژوهش «رشد اقتصادی و توسعه‌ی انسانی در امریکای لاتین» در بررسی رابطه‌ی توسعه‌ی انسانی و رشد اقتصادی در بازه‌ی زمانی ۲۰۰۰-۱۹۶۰-۱۹۶۰ به این نتیجه دست یافته‌اند که توسعه‌ی انسانی با رشد اقتصادی رابطه‌ی بسیار قوی و رشد اقتصادی با توسعه‌ی انسانی رابطه‌ی ضعیفی دارد. همان‌طور که در مرتبط‌ترین تحقیقات داخلی و خارجی با موضوع این تحقیق قابل مشاهده است هیچ‌یک از پژوهش‌های صورت گرفته به ارتباط دو متغیر انسجام اجتماعی و توسعه‌ی پایدار به‌طور عام و ارتباط انسجام اجتماعی به‌عنوان یکی از ظرفیت‌های شهرهای خاش، سراوان و سرابز استان سیستان و بلوچستان که می‌تواند از توسعه‌ی باورهای قومی ناشی شود، با توسعه‌ی پایدار به‌عنوان یکی از ضرورت‌های شهرهای این استان، به‌طور خاص تا کنون اشاره ننموده است؛ از این‌رو چگونگی ارتباط انسجام اجتماعی با توسعه‌ی پایدار در شهرهای خاش، سراوان و سرابز استان سیستان و بلوچستان مسئله‌ی تحقیق حاضر را تشکیل می‌دهد.

### انسجام اجتماعی

استمرار و پایداری حیات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی یک جامعه در گرو انسجام<sup>۲</sup> و همبستگی بین اجزاء و عناصر سازنده‌ی ساختار اجتماعی است. انسجام، توافق در اهداف، ارزش‌ها و نگرش‌ها است که در فرآیندی اجتماعی متولد می‌شود و محصول کنش عقلانی و مختارانه است (غلامی و حیاتی، ۱۳۹۲: ۱۳۳).

هر بررسی علمی و تجربی از انسجام بدون رجوع به اصول نظریه‌ی عمومی جامعه‌شناسی در مکاتب و حوزه‌های جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و روان‌شناسی اجتماعی خام و نارسا خواهد بود. از طرفی تبیین انسجام به‌عنوان یک مجموعه‌ی به هم پیوسته نیازمند بررسی تمام عوامل و متغیرهای اجتماعی، روانی، فرهنگی، زیستی و اقتصادی در ارتباط متقابل با یکدیگر است (محسنی تبریزی، ۱۳۷۵: ۴۵). با توجه به معنای مفهومی اصطلاحات مطرح شده در باب انسجام، منظور از انسجام احساس مسئولیت متقابل بین چند نفر یا چند گروه برخوردار از آگاهی و اراده است و همچنین می‌تواند شامل پیوندهای

<sup>۱</sup> Rains & Stewart

<sup>۲</sup> solidarity

انسانی و برادری بین انسان‌ها به‌طور کلی یا حتی وابستگی متقابل حیات و منافع بین آنها باشد (نوابخش و همکاران، ۱۳۸۸: ۵).

انسجام اجتماعی همگونی طرز تلقی‌ها و داوری‌ها درباره‌ی جهت‌گیری‌ها یا اهداف یکسان است؛ یعنی اینکه در میان افراد درگیر در گروه، خصوصاً در فرایند ارتباطات و در زمینه‌ی انتقال اطلاعات و استفاده از نمادها و غیره توافق مشترک وجود داشته باشد (امام‌جمعه‌زاده، ۱۳۹۲: ۱۶) که دو بعد همبستگی اجتماعی و انسجام نظام‌مند<sup>۱</sup> دارد؛ همبستگی اجتماعی به بعد نرم‌افزاری انسجام اشاره دارد و انسجام نظام‌مند با تلقی سخت‌افزاری ارتباط و وابستگی اجزای نظام اجتماعی در سطوح و ابعاد مختلف (سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی) که می‌تواند در سطوح خرد و کلان نیز مطرح باشد مرتبط است (کلانتری و فرهادی، ۱۳۸۵: ۱۲۶-۱۲۵).

انسجام اجتماعی دلالت بر توافق جمعی میان اعضای یک جامعه دارد و ناظر به میزان و الگوی رابطه‌ی متقابل بین کنشگران، گروه‌ها و خرده‌فرهنگ‌های تمایز یافته (امام‌جمعه‌زاده، ۱۳۹۲: ۱۲) و به معنای استحکام درونی و مترادف با وحدت اجتماعی است. به تعبیر فرهنگ لاروس انسجام اجتماعی، موقعیت گروهی است که یک مجموعه‌ی کاملاً پیوسته را در بر می‌گیرد. فرهنگ جامعه‌شناسی آلموند کولین انسجام اجتماعی را توافق افکار، احساسات و اعمالی توصیف می‌کند که وحدت یک گروه یا یک جامعه را مشخص می‌کند (نوابخش و فیروزآبادی، ۱۳۹۱: ۳۵). با انسجام اجتماعی گروه وحدت خود را حفظ کرده و با عناصر وحدت‌بخش خود، تطابق و هم‌نوایی دارد. همبستگی و انسجام، احساس مسئولیت متقابل بین چند نفر یا چند گروه است که از آگاهی و اراده برخوردار باشند و حائز یک معنای اخلاقی است که متضمن وجود اندیشه‌ی یک وظیفه یا الزام متقابل است و نیز یک معنای مثبت از آن برمی‌آید که وابستگی متقابل کارکردها، اجزا یا موجودات در یک کل ساخت‌یافته را می‌رساند (نیازی، ۱۳۹۰: ۳۷) و در یک حوزه‌ی تعاملی معین شکل و معنا پیدا می‌کند. دورکیم احساسی را که در میدان تعاملی به وجود می‌آید عاطفه‌ی جمعی<sup>۲</sup> می‌نامد. از نظر وی عاطفه‌ی جمعی عمیق اکثراً طی مناسک جمعی (مثل اعیاد و مراسم ملی و مذهبی و ...) به وجود می‌آید و بدین شکل زمینه‌ی افزایش و تحکیم انسجام اجتماعی را فراهم می‌کند (چلبی، ۱۳۷۲: ۲۲). از نظر گیدنز انسجام اجتماعی را نمی‌توان با اقدام از بالا به پایین دولت یا با توسل به سنت تضمین کرد.

<sup>۱</sup> systemic integration

<sup>۲</sup> collective emotion

ما ناچاریم زندگی خود را به شیوه‌ای فعال‌تر از آنچه در نسل‌های پیشین درست بود بسازیم و باید برای پیامدهای آنچه انجام می‌دهیم و عادت‌های شیوه‌ی زندگی که برگزیده‌ایم فعالانه‌تر مسئولیت بپذیریم (گیدنز، ۱۳۷۸: ۴۳). عوامل مختلفی بر انسجام اجتماعی مؤثرند که یکی از آنها عامل اقتصادی است به طوری که در بسیاری از موارد مشاهده شده که افراد از جهات گوناگون مثل زبان، فرهنگ، نژاد و مذهب از یکدیگر متفاوت بودند ولی از نظر اقتصادی هدفی مشترک داشته و بر اثر همکاری برای نیل به این هدف به تدریج در همدیگر ممزوج و حتی بانی یک کشور مستقل گردیده‌اند (اخوان منفرد، هندیانی و زینال‌نژاد، ۱۳۸۷: ۴۰۵). این ارتباط بین همبستگی و اقتصاد رابطه‌ای دوسویه است به طوری که می‌توان بر همبستگی و اتحاد ملی به‌عنوان پشتوانه‌ی مهم در رسیدن به توسعه‌ی اقتصادی تأکید کرد. در واقع، رسیدن به توسعه‌ی اقتصادی بدون همبستگی و مشارکت فعال در فعالیت‌های مختلف غیر ممکن است و یکی از لوازم برنامه‌ریزی در دنیای جدید، توجه به مشارکت فعال و اثربخش همه‌جانبه‌ی افراد جامعه در تمام ابعاد مختلف توسعه‌ی اقتصادی است (جهانیان و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۰۵) و کارگزاران اقتصادی به واسطه‌ی این ارتباط (اقتصاد و اجتماع) تلاش می‌کنند تا اصلی‌ترین هدف خود را در راستای جلوه‌هایی از اجتماع‌گرایی پیگیری کنند (مصلی‌نژاد، ۱۳۹۰: ۳۳۶).

از دیگر عوامل اساسی مؤثر بر همکاری افراد در موقعیت‌های دو راهی اجتماعی اعتماد آن‌ها به همکاری دیگران در این موقعیت‌هاست به گونه‌ای که وقتی اعتقاد نداشته باشند که دیگران در این موقعیت رفتار همیارانه دارند، خود آن‌ها نیز رفتار همیارانه نخواهند داشت (جوادی‌یگانه و هاشمی، ۱۳۸۴: ۱۵۰). به واسطه‌ی این اهمیت است که آموزه‌های اخلاقی اسلام تلاش دارند انسان‌ها را از درون به گونه‌ای سازد که نه تنها فعالیتی که در تعارض با منافع عموم است انجام ندهند، بلکه در فعالیت‌های خود منافع جامعه را مقدم دارند و این فعالیت‌ها را در راستای تحقق هدف‌ها سامان دهند (معصومی‌نیا، ۱۳۸۶: ۱۳۱).

### توسعه پایدار

مفهوم توسعه به لحاظ معرفت‌شناسانه مفهومی مدرنیستی است و تا حدود بسیاری از منطق درونی واحد برخوردار است. می‌توان میان دو مقوله‌ی مدرنیسم و مدرنیته تفاوت قائل شد؛ مدرنیته‌ی ظواهر برخاسته از اندیشه‌ی مدرن را منعکس می‌کند که بیشتر جنبه‌ی مادی و عینی دارد و مدرنیسم مفهومی مستقل است که در بر گیرنده‌ی



اندیشه‌های بنیادین نظیر آزادی فرد، برابری و غیره است. متغیرهای فرهنگی مدرنیته به شش شاخص مختلف تقسیم می‌شوند که توسعه‌ی انسانی یکی از آنهاست<sup>۱</sup> (نقیب‌زاده و صادقی‌زاده، ۱۳۹۰: ۳۴۵-۳۴۰).

سال‌های متممادی ملل مختلف توسعه‌ی خود را در ارقام *GNP*، درآمد سرانه و سایر شاخص‌های توسعه‌ی اقتصادی جستجو می‌کردند. این کشورها دستیابی به شاخص‌های بالای اقتصادی را هدف توسعه‌ی خود تلقی می‌کردند و پیشرفت همه‌جانبه‌ی خود را در این‌گونه شاخص‌ها می‌دیدند، اما دیری نگذشت که بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته به این نتیجه رسیدند که نرخ بالای رشد *GNP* قادر به کاهش محرومیت‌های اجتماعی در بین گروه‌های مختلف مردم نیست. جوامع صنعتی اگر چه به دلیل دستیابی به درآمد سرانه‌ی بالا به خود می‌بالیدند اما نتوانستند از این طریق دردهای انسان را تسکین دهند. به همین دلیل این نتیجه حاصل شد که توسعه‌ی اقتصادی لزوماً به توسعه‌ی انسانی منجر نمی‌گردد (کلانتری، ۱۳۸۰: ۱۵۴) و آنچه امروز مورد نیاز است نهادی کردن اهمیت انسان‌ها در توسعه‌ی اقتصادی است زیرا توسعه فرآیندی است که از انسان شروع و به انسان ختم می‌شود (آسایش، ۱۳۷۱: ۷).

با ظهور پارادایم جدید توسعه که در آن هدف‌گذاری رشد کیفی به همراه یکی کردن نظام‌های اقتصادی - اجتماعی با زیست‌محیطی (اکولوژیکی) مد نظر قرار گرفته است و مدیریت سرزمین با تعامل صحیح و ارگانیک توأمان سه نظام مورد توجه واقع شده و اندیشه‌ی حمایت از پایداری و محیط زیست مظهر تلاشی شد برای گسترش مفهومی فراتر که در آن نه تنها حقوق نسل کنونی، بلکه شمول آن بر تمام موجودات اعم از انسانی و غیر انسانی و حال و آینده و نیز نظام زیستی که جملگی وابسته به آن هستیم را در بر گرفت. در این رهیافت جامعه‌ی مدنی و مشارکت مردم در تصمیم‌گیری‌ها به‌عنوان اصلی بنیادین پذیرفته شد. به‌طور کلی ویژگی‌های دو انگاره‌ی متفاوت در توسعه را از نگاه هوارث و نورگارد<sup>۲</sup> (۱۹۹۲: ۱۴) می‌توان در قالب جدول زیر خلاصه نمود.

<sup>۱</sup> دیگر شاخص‌های آن عبارتند از: اجماع نظری در سطح کلان، تساهل قومیتی، ناسیونالیسم توسعه، فمینیسم توسعه و پولاریزه شدن سطوح مختلف جامعه.

<sup>۲</sup> Howarth & Norgaard

**جدول ۱: مقایسه‌ی ویژگی‌های دو انگاره‌ی متفاوت در توسعه**

انگاره‌ی سنتی و قدیم	انگاره‌ی جدید و در حال پیدایش
دستیابی به رشد اقتصادی به هر قیمت	رشد کیفی، توجه به محیط زیست و عدالت اجتماعی
توسعه‌ی توسط دولت برای مردم	توسعه توسط مردم و برای مردم
سازماندهی توسعه توسط سازمان‌های بزرگ و متمرکز	سازماندهی توسعه توسط تشکل‌های مردمی و محلی با تأکید بر تواناسازی مردم
انتقال فن‌آوری پیشرفته از کشورهای غنی	ایجاد فناوری متناسب و محلی

توسعه‌ی انسانی فراتر از کمیت (که مد نظر رشد اقتصادی است) بر کیفیت این رشد تأکید بیشتری دارد و با قرار دادن انسان در کانون توسعه و در مرکز الگوها و برنامه‌های آن به این معناست که توسعه باید چیزی بسیار فراتر از افزایش درآمد و ثروت باشد. در توسعه‌ی انسانی که در برگیرنده‌ی توسعه‌ی پایدار است بر حفظ و بازآفرینی تمام اشکال سرمایه اعم از طبیعی، مادی و انسانی تأکید می‌شود. پایدار بودن توسعه نیازمند آن است که اگر بخشی از کل منابع سرمایه کاهش یابد (برای مثال منابع طبیعی) این کاهش باید با سرمایه‌گذاری بیشتر در بخش‌های دیگر سرمایه (مادی و انسانی) جبران شود و گرنه با کاهش ارزش کل منابع سرمایه‌ای (طبیعی، مادی و انسانی) امید به توسعه نیز کاهش پیدا خواهد کرد (موثقی، ۱۳۸۷: ۲۰).

مسأله‌ی استفاده از روش‌های کمی - کیفی و بهره‌گیری از داده‌هایی با خصوصیات کیفی در سال ۱۹۹۰ کارشناسان سازمان ملل را بر آن داشت تا با ترکیب عوامل امید به زندگی، سطح درآمد سرانه و باسوادی شاخصی را طراحی کنند که به شاخص توسعه‌ی انسانی (*HDI*)<sup>۱</sup> معروف گردید. این سه عامل کلیدی در بطن خود می‌تواند بسیاری از فاکتورهای دیگر را نیز داشته باشد که می‌توان از آنها به‌عنوان عوامل کلیدی شاخص توسعه‌ی انسانی یاد کرد (آسایش، ۱۳۷۱: ۸)؛ که این ابعاد عبارتند از زندگی طولانی توأم با سلامتی، دانش و استاندارد شایسته‌ی زندگی که هر یک از این ابعاد می‌توانند میزان رفاه یک جامعه را در زندگی اجتماعی - اقتصادی توضیح دهد (صادقی و همکاران، ۱۳۸۵: ۲۸۷).

البته از دهه‌ی هفتاد میلادی شاخص‌های اجتماعی به شاخص‌های توسعه افزوده شده بود و رشد جمعیت، رشد شهرنشینی، دموکراسی، عدالت اجتماعی یا توزیع عادلانه ثروت،

<sup>۱</sup> Human Development Index

دسترسی به وسایل ارتباط جمعی، ثبات سیاسی و بودجه‌ی آموزش و تحقیقات عواملی بودند که به تدریج به‌عنوان شاخص‌های توسعه پذیرفته شده بودند (لفت‌ویچ، ۱۳۸۳: ۷۴). توسعه‌ی اجتماعی از نظر استس<sup>۱</sup> یک حوزه‌ی میان‌رشته‌ای و میان‌بخشی تجربی است که در جستجوی بهبود رفاه<sup>۲</sup> مادی و اجتماعی مردم در همه‌ی سطوح جامعه و به‌طور ضمنی بیانگر نکات زیر است:

- تأمین رضایت مردم در سطح حداقل نیازهای اساسی با برآوردن حداقل نیازهای اساسی مردم

- افزایش توانایی آن بخشی از آحاد جامعه که برای بهبود وضعیت خود مد نظرند. از این‌رو از دیدگاه استس، برآوردن نیاز به همراه افزایش سطح آزادی (که با رشته انتخاب‌هایی که افراد می‌توانند داشته باشند اندازه‌گیری می‌شود) برای توسعه (اجتماعی) حیاتی‌اند. وی تأکید می‌کند که اهداف توسعه‌ی اجتماعی از طریق مشارکت مردم تا بالاترین حد ممکن در تعیین اهداف و نتایج توسعه تعقیب می‌شوند (استس، ۲۰۰۱: ۱۹-۱۴).

به اعتقاد جانستون<sup>۳</sup>، توسعه‌ی اجتماعی اساساً به معنای تقویت سرزندگی جامعه‌ی مدنی است؛ به معنی افزایش ظرفیت و تنوع سازمانی آن، تعامل دوجانبه گروه‌ها و منافع، مشروعیت سیاسی ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی، افزایش تعامل بین جامعه‌ی مدنی و حکومت به طریقی که خوداتکایی هر دو آنها و انسجام‌شان تقویت شود و توازن کلی‌تری بین فرصت‌های سیاسی و اقتصادی در جامعه فراهم گردد. وی اضافه می‌کند که توسعه‌ی اجتماعی توانایی شهروندان و منافع خصوصی آنان را تقویت می‌کند تا در اجرای سیاست‌ها و تصمیم‌گیری‌ها فعالانه و مؤثر شرکت کنند. جانستون معتقد است که توسعه‌ی اجتماعی راهبردی ضد فقر، پیچیده و بلندمدت است (جانستون، ۱۹۹۳: ۳-۲).

نانسی<sup>۴</sup> در اجلاس جهانی «توسعه‌ی اجتماعی، توسعه‌ی اقتصادی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی» که در ژوئن ۲۰۰۰ در ژنو برگزار شد تأکید می‌کند که توسعه‌ی اجتماعی بی‌تردید به مسئولیت‌پذیری باز می‌گردد؛ مسئولیت‌پذیری حکومت‌ها، شاغلان، سرمایه‌گذاران مالی و دولت - ملت‌ها به‌عنوان اعضای جامعه‌ی جهانی. اما مهم‌تر از همه توسعه‌ی اجتماعی با حقوق - حقوق انسانی - کارگران به‌طور وسیع‌تر، چه سازمان‌یافته و

<sup>1</sup> Estes

<sup>2</sup> well-being

<sup>3</sup> Johnston

<sup>4</sup> Nancy

چه سازمان نیافته، حق توسعه و حق برخورداری از خدمات با کیفیت بالا ارتباط می‌یابد؛ حق برخورداری از محیط زیست سالم و سهم مساوی از فواید رشد اقتصادی (نانبی، ۲۰۰۰: ۷).

استیگنیتز<sup>۱</sup> توسعه‌ی اجتماعی را توانایی هر جامعه برای حل صلح‌آمیز تضادها و پیوند منابع و علایق مشترک، به هنگام اختلاف منافع می‌داند. جامعه‌ای که در آن خشونت، هم در خانواده و هم در اجتماع، در سطح بالایی است جامعه‌ای با توسعه‌ی اجتماعی پایین محسوب می‌شود (استیگنیتز، ۱۹۹۹: ۹۱).

دفتر امور اجتماعی و اقتصادی سازمان ملل متحد در گزارشی با عنوان تأمین مالی توسعه‌ی اجتماعی جهانی، توسعه‌ی اجتماعی را چنین تعریف می‌کند: «توسعه‌ی اجتماعی یا پیشرفت اجتماعی به رفاه افراد و کارکرد سازگار جوامع اشاره دارد. توسعه‌ی اجتماعی در بر گیرنده‌ی تلاش‌ها، مسائل، علایق و بخش‌های توسعه و همچنین چشم‌انداز اجتماعی برای ملاحظه‌ی حوزه‌های فعالیت انسانی است، چشم‌انداز اجتماعی فرد را در ارتباط با جامعه می‌بیند، ابعاد متنوع نیازهای انسان را در نظر می‌گیرد، بین اهداف و ابزارها تمایز دقیق قائل می‌شود و برای جستجوی کالای عمومی نوع انسانی حساسیت دارد» (سازمان ملل، ۲۰۰۲: ۳) و می‌تواند زمینه‌ی توسعه‌ی پایدار را در ابعاد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی فراهم نماید.

اما در این میان نکته‌ی کانونی و محوری که همه‌ی این ابعاد را به هم پیوند می‌دهد انسان است. عملکرد انسان به‌عنوان محور توسعه‌ی پایدار در عقلانیت مفاهمه‌ای و ابزاری در نوع نظام مدیریتی معنا و مفهوم می‌یابد (اطاعت و موسوی، ۱۳۸۹: ۹۰) با این نگاه برخی مشخصات و اهداف کلیدی توسعه‌ی پایدار عبارتند از:

۱. برابری بین نسل‌ها
۲. برابری درون نسلی (اجتماعی و جغرافیایی)
۳. حفاظت از محیط طبیعی
۴. استفاده از حداقل منابع قابل تجدید
۵. بقای اقتصادی و تنوع
۶. جامعه‌ی خود اتکا و رفاه فردی
۷. ارضای نیازهای اساسی افراد جامعه (سرور و موسوی، ۱۳۹۰: ۸).

<sup>۱</sup> Stiglitz

<sup>۲</sup> United Nations

به عقیده‌ی سگر<sup>۱</sup> یکدیگر از اصول توسعه‌ی پایدار، اصل مشارکت عمومی و دسترسی به اطلاعات و عدالت است؛ وی معتقد است که مردم باید قادر به مشارکت در روندهای تصمیم‌گیری باشند که بر رفاه و زندگی‌شان مؤثر است (اکبری، ۱۳۹۱: ۴۳) و جی کوبس<sup>۲</sup>، گاردنر<sup>۳</sup> و مونرو<sup>۴</sup> نیز توسعه‌ی پایدار را پاسخگوی پنج ضرورت زیر دانستند:

۱. پیوند دادن حفاظت محیط با توسعه
۲. تأمین نیازهای اساسی انسانی
۳. دستیابی به برابری و عدالت اجتماعی
۴. تأمین خودگردانی اجتماعی و تنوع فرهنگی
۵. نگهداری و حفظ یکپارچگی زیست‌محیطی و ماهیت بی‌حد و مرز اولی ( احمدی، ۱۳۸۷: ۲۰).

### چارچوب نظری پژوهش

از آنجایی که در خصوص ارتباط دو متغیر انسجام اجتماعی و توسعه‌ی پایدار نظریه‌ای که بتوان مبنای تحقیق پیش‌رو قرار داد به‌دست نیامد برای بررسی انسجام اجتماعی از نظریه‌ی میلر با شاخص‌های اجتماعی، فرهنگی و عاطفی و برای بررسی توسعه‌ی پایدار هم از نظریات استس، جانستون، نانسو و استیگنیتز بهره گرفته شده است تا در نهایت این پژوهش ارتباط بین دو متغیر را در محیط پژوهش مشخص سازد.

### روش‌شناسی پژوهش

تحقیق کمی پیش‌رو که از نظر هدف کاربردی و از نظر روش موردی - زمینه‌ای است به منظور گردآوری ادبیات تحقیق از منابع کتابخانه‌ای مرتبط بهره گرفته است تا با تأکید بر انسجام اجتماعی به رابطه‌ی این متغیر با توسعه‌ی انسانی پایدار در شهرهای خاش، سراوان و سرباز استان سیستان و بلوچستان بپردازد. با استخراج مؤلفه‌های انسجام اجتماعی و توسعه‌ی پایدار آزمون‌های همسانی درونی مؤلفه‌های این متغیرها را تأیید و ارتباط دو متغیر با استفاده از نرم‌افزار *SPSS* و آزمون اسپیرمن محاسبه شده است.

<sup>1</sup> Segger

<sup>2</sup> Jacobs

<sup>3</sup> Gardner

<sup>4</sup> Munro

### اعتبار و روایی ابزار گردآوری

ابزار گردآوری تحقیق حاضر را پرسشنامه‌ی ۲۱ سؤالی تشکیل می‌دهد که بر مبنای نظریه‌ی انسجام اجتماعی میلر و شاخص‌های توسعه‌ی پایدار مدنظر اندیشمندان این حوزه طراحی شده و اعتبار آن با استفاده از آلفای کرونباخ برای انسجام اجتماعی برابر با ۰/۷۴ و توسعه‌ی پایدار برابر با ۰/۸۴ محاسبه شده و روایی آن نیز به شکل روایی صوری و با استفاده از نظرات صاحب‌نظران محاسبه شده است.

### جامعه آماری

جامعه‌ی آماری تحقیق حاضر را جوانان ۱۸ تا ۲۰ ساله شهرهای سراوان، سرباز و خاش استان سیستان و بلوچستان که طبق اطلاعات مؤسسه‌ی آمار ایران به ترتیب ۱۰۱۱ و ۶۳۰ نفر و جمعاً ۱۹۱۵ نفر هستند تشکیل می‌دهند. از بین این جامعه‌ی آماری با استفاده از فرمول کوکران و روش تصادفی طبقه‌ای ۲۷۲ نفر به‌عنوان حجم نمونه به شرح زیر محاسبه و پرسشنامه بین آنان توزیع گردیده است.

$$n = \frac{NT^2S^2}{ND^2 + T^2S^2}$$

$$N = 1915 \text{ جامعه آماری}$$

$$d = 0.05 \text{ سطح خطا}$$

$$t = 1.96 \text{ سطح معناداری}$$

$$S = 0.4543 \text{ واریانس}$$

$$271.9 \cong 272 = \frac{1514.84}{5.57} = n = \frac{1915(1.96)^2(0.206)^2}{1915(0.05)^2 + (1.96)^2(0.206)^2}$$

### تجزیه و تحلیل داده‌ها

#### ۱- سؤالات زمینه‌ای

##### ۱-۱- سطح تحصیلات

جدول فراوانی سطح تحصیلات پاسخ‌دهندگان (جدول ۲) نشان می‌دهد ۳/۷ درصد پاسخ‌دهندگان دارای سطح سواد ابتدایی، ۱۴/۳ درصد راهنمایی، ۲۱ درصد دبیرستان، ۴۶/۷ درصد دیپلم و ۱۱/۸ درصد فوق دیپلم هستند و تنها ۱/۸ درصد پاسخ‌دهندگان از

سواد خواندن و نوشتن بی‌بهره‌اند به عبارتی از بین جامعه‌ی آماری ۵۸/۵ درصد پاسخ‌دهندگان دیپلم و بالاتر هستند که برای سه شهر مورد تحقیق که از محروم‌ترین شهرهای کشور هستند سطح سواد مناسبی به نظر می‌رسد که مبین توانایی پاسخ‌دهندگان در درک درست سؤالات تحقیق است.

جدول ۲: سطح تحصیلات پاسخ‌دهندگان

درصد مجموع	درصد معتبر	درصد	فراوانی	تحصیلات	
۳/۷	۳/۷	۳/۷	۱۰	ابتدایی	معتبر
۱۸/۱	۱۴/۴	۱۴/۳	۳۹	راهنمایی	
۳۹/۳	۲۱/۱	۲۱	۵۷	دبیرستان	
۸۶/۳	۴۷	۴۶/۷	۱۲۷	دیپلم	
۸۸/۱	۱/۹	۱/۸	۵	بی‌سواد	
۱۰۰	۱۱/۹	۱۱/۸	۳۲	فوق دیپلم	
	۱۰۰	۹۹/۳	۲۷۰	جمع	
		۰/۷	۲		نامعتبر
		۱۰۰	۲۷۲		مجموع

## ۲-۱- شغل پدر

جدول فراوانی شغل پدر پاسخ‌دهندگان (جدول ۳) نشان می‌دهد از بین پاسخ‌دهندگان حاضر، پدر ۳۳/۱ درصد شغل آزاد (غیر کشاورز)، ۱۲/۹ درصد شغل دولتی، ۵/۹ درصد بیکار و ۴۲/۳ درصد کشاورز هستند؛ به عبارتی از آنجایی که شغل پدر در خانواده‌ها نقش مهمی در جایگاه اجتماعی خانواده‌ها دارد، تنوع شغل پدر خانواده‌های پاسخ‌دهندگان تا حدودی می‌تواند نشان‌دهنده‌ی این موضوع باشد که پاسخ‌دهندگان تحقیق همه‌ی تمام طبقات اجتماعی را در این شهرها نمایندگی می‌کنند.

جدول ۳: شغل پدر پاسخ‌دهندگان

درصد مجموع	درصد معتبر	درصد	فراوانی	شغل	
۳۵/۲	۳۵/۲	۳۳/۱	۹۰	آزاد (غیر کشاورز)	معتبر
۴۸/۸	۱۳/۷	۱۲/۹	۳۵	دولتی	
۵۵/۱	۶/۳	۵/۹	۱۶	بیکار	
۱۰۰	۴۴/۹	۴۲/۳	۱۱۵	کشاورز	
	۱۰۰	۹۴/۱	۲۵۶	جمع	
		۵/۹	۱۶		نامعتبر
		۱۰۰	۲۷۲		مجموع

## ۲- رابطه دو متغیر

با توجه به تعریف فرضیه  $H_0$  (فقدان رابطه‌ی بین دو متغیر مستقل و وابسته) و فرضیه  $H_1$  (وجود رابطه‌ی بین دو متغیر مستقل و وابسته) و با بررسی داده‌های حاصل از پرسشنامه، بین انسجام اجتماعی و توسعه‌ی پایدار روابط زیر وجود دارد:

جدول ۴: رابطه‌ی بین انسجام اجتماعی و توسعه‌ی پایدار

		توسعه‌ی پایدار	انسجام اجتماعی
Spearman's rho	توسعه‌ی پایدار	Correlation Coefficient	۰/۵۱۶**
		Sig. (2-tailed)	۰/۰۰۰
		N	۲۳۷
	انسجام اجتماعی	Correlation Coefficient	۰/۵۱۶**
		Sig. (2-tailed)	۰/۰۰۰
		N	۲۳۳

\*\* Correlation is significant at the 0.01 level (2-tailed)

الف) سطح معناداری نشان می‌دهد که با ۹۹ درصد اطمینان می‌توان ادعا نمود رابطه‌ی بین انسجام اجتماعی و توسعه‌ی پایدار در سه شهر سراوان، سرباز و خاش استان سیستان و بلوچستان معنادار است به بیان دیگر فرضیه  $H_0$  رد و فرضیه  $H_1$  تأیید می‌شود.

ب) شدت رابطه (۰/۶۰۵) نشان می‌دهد که رابطه‌ی قوی بین انسجام اجتماعی در این سه شهر و توسعه‌ی پایدار آنها وجود دارد.

ج) از آنجایی که جهت رابطه مثبت است با ارتقاء انسجام اجتماعی، این شهرها در مسیر توسعه‌ی پایدار قرار خواهند گرفت؛ به بیانی دیگر توسعه‌ی مؤلفه‌های تعلق قومی و خانوادگی به اجتماعات بزرگ‌تر جامعه، افزایش سطح ارتباط عاطفی بین اعضای خانواده‌ها و گروه‌های همسالان و گروه‌های اجتماعی، افزایش نظارت و ارتباط والدین با فرزندان، افزایش اعتماد بین اعضای گروه‌های اجتماعی و افزایش تأثیرپذیری اعضای گروه‌های اجتماعی از یکدیگر در این سه شهر می‌تواند زمینه‌ی تلاش بیشتر را برای برخورداری از توسعه‌ی پایدار انسانی برای تأمین نیازهای اساسی، مشارکت بیشتر در اجرای سیاست‌های ملی و تصمیم‌گیری‌های سیاسی، تلاش بیشتر برای بهره‌مندی از آموزش مناسب و مراقبت‌های سالم اولیه را در پی داشته باشد.



## نتیجه‌گیری

در برنامه‌های توسعه‌ی ایران برای اولین بار در قانون برنامه‌ی چهارم توسعه (۱۳۸۸-۱۳۸۴) گام‌های مهم و مؤثری به منظور دستیابی به رویکرد توسعه‌ی پایدار برداشته شد (حسن‌زاده و ایزدی جیزان، ۱۳۸۸: ۲۸). این شکل توسعه که می‌تواند در برگیرنده‌ی دیگر اشکال توسعه‌ی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی باشد برای اثربخشی بیشتر باید بر توسعه‌ی انسانی تأکید نماید؛ توسعه‌ای که به‌عنوان رویکردی کل‌نگر به «زندگی بهتر» به پرورش استعدادها و قوای ذهنی در کنار مصرف کالا و خدمات تأکید دارد و با هدف قرار دادن زندگی بهتر، افق پویایی را فراروی انتخاب‌های انسانی قرار می‌دهد (سازمان برنامه‌ریزی، ۱۳۷۸: ۳)؛ اما دستیابی به سطح بالای توسعه‌ی پایدار انسانی با بهره‌گیری از ظرفیت‌های درون‌زا می‌تواند ضمن نهادینه شدن این شکل توسعه، هزینه‌ی مادی و انسانی آن را به پایین‌ترین حد ممکن کاهش دهد. ساختار جمعیتی استان‌ها و شهرهای مرزی جمهوری اسلامی ایران متشکل از اقوام گوناگون به واسطه‌ی ویژگی‌های جمعیتی خاص خود ظرفیت مناسبی برای حرکت در مسیر توسعه دارند که یکی از این ویژگی‌ها سطح بالای همبستگی قومی است که در صورت گسترش آن به فضای اجتماعی می‌تواند تسهیل‌کننده‌ی بسیاری از راهبردهای انسانی همچون توسعه‌ی پایدار انسانی باشد و در حقیقت پرداختن به موضوع انسجام اجتماعی در بین اقوام را می‌توان حلقه‌ای مفقوده در پرداختن به موضوع توسعه در مناطق سکونت این اقوام دانست چرا که همواره هماهنگ‌سازی شهر و روستا با هدف کم کردن فاصله‌ی میان این دو؛ هماهنگ‌سازی منطقه‌ای با هدف توسعه‌ی متوازن در مناطق؛ هماهنگ‌سازی رشد اقتصادی و اجتماعی با هدف برابر کردن رشد اقتصادی با رشد فرهنگی و بهداشتی؛ هماهنگ‌سازی طبیعت و انسان با هدف حفاظت از محیط زیست و در نهایت هماهنگ‌سازی داخلی و خارجی با هدف توسعه‌ی عادلانه‌ی صادرات و واردات و استفاده‌ی مناسب از سرمایه‌گذاری‌های داخلی و خارجی (فرزین‌نیا، ۱۳۸۸: ۱۳) جزء محورهای اقدامات ملی برای دستیابی به سطح قابل قبول توسعه‌ی این مناطق بوده است. اما این مناطق حاشیه‌ای در کنار نیازهایی که به منابع توسعه‌ی بیرونی و ملی دارند از ظرفیت‌هایی نیز در داخل برخوردارند که یکی از قوی‌ترین این منابع حس شدید تعلق در بین اعضای قوم است که با فرهنگ خاص خود این تعلق را در طول تاریخ استمرار داده‌اند و قابلیت توسعه به محیط اجتماعی را دارد. تحقیق حاضر با انتخاب یک جامعه‌ی نمونه‌ی ۲۷۲ نفری از جوانان ۱۸ تا ۲۰ ساله سه شهر سراوان، سرباز و خاش استان سیستان و بلوچستان که طبق آخرین اطلاعات مؤسسه‌ی آمار ایران جمعاً ۱۹۱۵ نفر

هستند به بررسی رابطه‌ی بین دو متغیر انسجام اجتماعی و توسعه‌ی پایدار در این سه شهر پرداخته و با تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از این پیمایش به این نتیجه دست یافته است که ارتباط مستقیم و معنی‌داری بین دو متغیر در این سه شهر وجود دارد و می‌توان با تقویت انسجام اجتماعی در قالب مؤلفه‌هایی چون گسترش حس تعلق خانوادگی و قومی به جامعه، افزایش اعتماد خانوادگی و سپس اجتماعی، تقویت فرهنگ نظارت خانوادگی و افزایش ظرفیت نظارتی گروه‌های اجتماعی، تقویت تعلق اجتماعی بین جوانان و گروه‌های اجتماعی، افزایش حس تکریم خانواده و جامعه، تقویت روحیه‌ی کمک و یاری به یکدیگر زمینه‌ی تلاش بیشتر افراد جامعه‌ی هدف را برای دستیابی به آموزش مناسب‌تر، تأمین بهتر نیازهای اساسی و تلاش برای بهبود وضعیت اقتصادی، تلاش برای مشارکت بیشتر در اجرای سیاست‌های ملی و تلاش برای تأثیرگذاری بیشتر در تصمیم‌گیری‌های سیاسی و تلاش برای کسب سهم بیشتر از رشد اقتصادی کشور را فراهم نمود و در این مسیر هرچند به باور ترنر و هیوم (۱۳۸۴: ۷۱) دولت می‌تواند از طریق رشد اقتصادی، تأمین آموزش و پرورش، تضمین امنیت فردی، افزایش فرصت‌های شغلی و بسیاری از اقدامات دیگر به توسعه دست یابد اما این اهداف از طریق «اقدام عمومی»، هماهنگی با سازمان‌های غیر دولتی، سازمان‌های خصوصی و دیگر نهادهای جامعه‌ی مدنی امکان‌پذیر است و یکی از بسترهای این اقدام می‌تواند تقویت انسجام اجتماعی به منظور تقویت انگیزه‌ی اقدام عمومی باشد. از این‌رو به منظور دستیابی به توسعه‌ی پایدار انسانی پیشنهادات زیر قابل استفاده خواهد بود.

### پیشنهادات

- ۱- آموزش روحیه‌ی همکاری در بین نسل جوان از طریق مراکز آموزشی و دانشگاهی با تعریف پروژه‌های گروهی و مشترک.
- ۲- تقویت جایگاه و کار ویژه‌های اجتماعی خانواده در بین مردم از طریق برنامه‌های آموزشی رسانه‌های استانی.
- ۳- ترویج فرهنگ حل مسالمت‌آمیز اختلافات از سنین پایین در مدارس ابتدایی و راهنمایی.
- ۴- بهره‌گیری از ظرفیت‌های مراکز دینی و علمای شهرها و مناطق محروم برای تقویت جایگاه نظارتی والدین در خانواده و ترویج تفکر انجام برنامه‌های جمعی.

- ۵- توسعه‌ی ارتباط بین سازمان‌ها و نهادهای دولتی با بدنه‌ی جامعه به منظور افزایش اعتماد بین کارگزاران و مردم.
- ۶- حمایت دولتی از تشکیل و توسعه‌ی تیم‌های شهری و استانی در رشته‌های مختلف ورزشی، فرهنگی، علمی و ...

**فهرست منابع:**

- آسایش، حسین (۱۳۷۱). "توسعه‌ی انسانی و چشم‌انداز آن در کشورهای اسلامی"، فصلنامه‌ی تحقیقات جغرافیایی، شماره‌ی ۲۴.
- احمدی، میترا (۱۳۸۷). جهانی‌شدن و پایداری شهری، انتشارات مؤسسه‌ی تحقیقات و توسعه‌ی علوم انسانی، تهران.
- اخوان‌منفرد، حمیدرضا؛ هندیانی، عبدالله و زینال‌نژاد، حسن (۱۳۸۷). "بررسی راه‌کارهای همگرایی قومیتی با تأکید بر اقوام ترک و کرد در شهرستان ماکو"، فصلنامه‌ی مطالعات مدیریت انتظامی، سال سوم، شماره‌ی ۴.
- اکبری، حسین (۱۳۹۱). "نقش زنان در توسعه‌ی پایدار محیط زیست"، فصلنامه‌ی زن در توسعه و سیاست، دوره‌ی ۱۰، شماره‌ی ۴.
- اطاعت، جواد و موسوی، سیده زهرا (۱۳۸۹). "تمرکززدایی و توسعه‌ی پایدار در ایران"، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره‌ی ۷۱.
- اطاعت، جواد (۱۳۹۰). "جمعیت و توسعه‌ی پایدار در ایران"، فصلنامه‌ی رفاه اجتماعی، سال یازدهم، شماره‌ی ۴۲.
- امام‌جمعه‌زاده، سید جواد؛ صادقی نقدعلی، زهرا؛ رهبرقاضی، محمودرضا و نوعی باغبان، سید مرتضی (۱۳۹۲). "بررسی رابطه‌ی مصرف رسانه‌ای و انسجام اجتماعی (مطالعه‌ی موردی: جوانان شهر تبریز)"، فصلنامه‌ی مطالعات توسعه‌ی اجتماعی فرهنگی، دوره‌ی اول، شماره‌ی ۴.
- ترنر، مارک و هیوم، دیوید (۱۳۸۴). حکومت‌داری، مدیریت و توسعه، ترجمه‌ی عباس منوریان، مؤسسه‌ی عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی، تهران.
- جهانیان، منوچهر؛ قرخلو، مهدی و زندی، ابتهال (۱۳۸۹). "مقدمه‌ای بر همبستگی ملی با تأکید بر مؤلفه‌های فرهنگ و گردشگری"، فصلنامه‌ی جغرافیای انسانی، سال دوم، شماره‌ی ۳.
- جوادی‌یگانه، محمدرضا و هاشمی، سید ضیاء (۱۳۸۴). "تعارض نفع فردی و نفع جمعی (دو راهی اجتماعی) و عوامل مؤثر بر آن"، نامه‌ی علوم اجتماعی، شماره‌ی ۲۶.
- چلبی، مسعود (۱۳۷۲). "وفاق اجتماعی"، نامه‌ی علوم اجتماعی، شماره‌ی ۳.

- حسن‌زاده، داوود و ایزدی جیزان، اصغر (۱۳۸۸). "بررسی جایگاه توسعه‌ی پایدار در اجتماعات روستایی ایران"، نامه‌ی علوم اجتماعی، شماره‌ی ۱۷.
- حمدی، کریم؛ وظیفه‌دوست، حسین و هنری جعفرپور، احمد (۱۳۸۸). "بررسی تأثیر توریسم تاریخی - فرهنگی بر توسعه‌ی پایدار شهری همدان"، پژوهشنامه‌ی علوم اجتماعی، سال سوم، شماره‌ی ۱.
- زبیری، هدی و کریمی موغاری، زهرا (۱۳۹۲). "اثر انسجام اجتماعی بر توسعه‌ی اقتصادی (مطالعه‌ی بین کشوری با رویکرد داده‌های تابلویی)", پژوهش‌های رشد و توسعه‌ی اقتصادی، سال چهارم، شماره‌ی ۱۴.
- زراعت‌کیش، سید یعقوب؛ کریمی، منصور و مرواریدی، مریم (۱۳۹۵). "ارزیابی شاخص توسعه‌ی انسانی در روستاهای استان کهگیلویه و بویراحمد"، فصلنامه‌ی رسالت مدیریت دولتی، سال هفتم، شماره‌ی ۲۱.
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی (۱۳۷۸). اولین گزارش ملی توسعه‌ی انسانی جمهوری اسلامی ایران، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، تهران.
- سرور، رحیم و موسوی، میرنجف (۱۳۹۰). "ارزیابی توسعه‌ی پایدار شهرهای استان آذربایجان غربی"، فصلنامه‌ی انجمن جغرافیای ایران، دوره‌ی جدید، سال نهم، شماره‌ی ۲۸.
- شکوری، علی و تقی‌زاده‌ی اصل، زهرا (۱۳۹۵). "مطالعه‌ی تأثیر اندازه‌ی دولت بر شاخص توسعه‌ی انسانی در طی سه دهه پس از انقلاب (۱۳۸۷-۱۳۵۷)", فصلنامه‌ی مسائل اجتماعی ایران، سال هفتم، شماره‌ی ۱.
- صادقی، حسین؛ عبدالمهی حقی، سولماز و عبدالله‌زاده، لیلا (۱۳۸۵). "توسعه‌ی انسانی در ایران"، فصلنامه‌ی رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره‌ی ۲۴.
- طباطبایی یزدی، رویا و مافی، فرزانه (۱۳۹۲). "بازارهای اخلاقی و توسعه‌ی پایدار"، فصلنامه‌ی راهبرد اقتصادی، سال دوم، شماره‌ی چهارم.
- فرزین‌نیا، زیبا (۱۳۸۸). مثلث آسیایی: چین، هند و پاکستان، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، تهران.

- غلامی، محمد و حیاتی، عقیل (۱۳۹۲). "بررسی تأثیر هویت کالبدی بر انسجام اجتماعی (مطالعه‌ی موردی: محله‌ی اوین شهر تهران)"، نشریه‌ی تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، سال سیزدهم، شماره‌ی ۳.
- کلانتری، خلیل (۱۳۸۰). "نقدی بر متدولوژی سنجش سطح توسعه‌ی انسانی"، مجله‌ی تحقیقات جغرافیایی، مقاله‌ی شماره‌ی ۵۱۶.
- کلانتری، عبدالحسین و فرهادی، محمد (۱۳۸۵). "رادپو جماعتی و انسجام اجتماعی"، فصلنامه‌ی انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات، شماره‌ی ۶.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸). راه سوم بازسازی سوسیال دموکراسی، ترجمه‌ی منوچهر صبوری کاشانی، انتشارات تیراژه، تهران.
- لفت‌ویج، آدریان (۱۳۸۳). دموکراسی و توسعه، ترجمه‌ی احمد علیقلیان و افشین خاکباز، انتشارات طرح نو، تهران.
- محسنی‌تبریزی، علیرضا (۱۳۷۵). "بیگانگی: مانعی برای مشارکت و توسعه‌ی ملی"، نامه‌ی پژوهش (فصلنامه‌ی تحقیقات فرهنگی)، سال اول، شماره‌ی ۱.
- مکیان، سید نظام‌الدین و بی‌باک، مؤده (۱۳۹۴). "تأثیر حکمرانی خوب بر توسعه‌ی انسانی، یک تحلیل بین‌کشوری"، فصلنامه‌ی مدل‌سازی اقتصادی، دوره‌ی ۹، شماره‌ی ۲.
- معصومی‌نیا، غلامعلی (۱۳۸۶). "اخلاق اقتصادی، مبانی بینشی، آموزه‌ها و آثار"، فصلنامه‌ی اقتصاد اسلامی، سال هفتم، شماره‌ی ۲۶.
- مصطفی‌نژاد، عباس (۱۳۹۰). "بررسی تحلیلی و کارکردی مدل‌ها و فرآیندهای سیاست‌گذاری اقتصادی"، فصلنامه‌ی سیاست، دوره‌ی ۴۱، شماره‌ی ۲.
- میروسی نیک، صادق (۱۳۹۴). "توسعه‌ی انسانی و عدالت جنسیتی در رویکرد قابلیت‌آماریاسن"، فصلنامه‌ی مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، دوره‌ی ۷، شماره‌ی ۴.
- موثقی، سید احمد (۱۳۸۷). جهان اسلام از منظرهای سیاسی مختلف، مؤسسه‌ی اندیشه‌سازان نور، تهران.
- نیازی، محسن (۱۳۹۰). "تبیین رابطه‌ی سطح تحصیلات و میزان انسجام ملی و اجتماعی شهروندان"، فصلنامه‌ی مطالعات ملی، سال دوازدهم، شماره‌ی ۴.
- نقیب‌زاده، احمد و صادقی‌زاده، سلمان (۱۳۹۰). "علل توسعه‌ی اقتصادی در آسیای جنوب شرقی"، فصلنامه‌ی سیاست، دوره‌ی ۴۱، شماره‌ی ۱.

نوابخش، مهرداد؛ نظری، جواد و ایدر، نبی‌الله (۱۳۸۸). "تبیین جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر انسجام اجتماعی در بین روستاییان"، فصلنامه‌ی علوم اجتماعی، سال سوم، پیش شماره‌ی ۷.

نوابخش، مهرداد و فیروزآبادی، آمنه (۱۳۹۱). "انسجام اجتماعی شهری و عوامل مرتبط بر آن در شهر کرمانشاه"، مطالعات جامعه‌شناختی شهری، سال دوم، شماره‌ی ۵.

Constantini, V. & Monni, S. (2008). "Environment, human development and economic growth", *Ecological Economics*, Vol. 64, no.4, pp 867-880.

Dicks, P. & Valentova, M. & Borsenberger, M. (2011). "A Multi Dimensional Assessment of Social Cohension in 47 European Countries. CPES instead working paper.

Easterly, W. (2006). *Social Cohension, Institution and Growth*. Center of Global Development Working Paper.

Estes, Richard I. (2001). *Social welfare and social development: partners or competitors*. University of Pennsylvania.

Hofman, K. & Li, X. (2009). "Canadas energy perspective and policies for sustainable development", *Applied Energy*, Vol. 86, pp. 407-415.

Howarth, R. B. and Norgaard, R. B. (1992). "Environmental Valuation under Sustainable Development", *American Economic Review papers and proceeding*, 82, 473- 7.

Johnston, Michael. (1993). *Social development as an anti-corruption strategy*. VI international anti-corruption conference. November. Cancun, Quintana, Roo, Mexico.

Nancy, R. (2000). *Economic and social development: two sidesthe same coin*. World summiton social development, economic development and social responsibility, June 30, Geneva, Switzerland.

North, D. C. & Joseph, J.W. & Barry, R. (2009). *Violence and Social Orders: A Conceptual Framework for Interpreting Recorded Human History*. Cambridge University Press.

Ranis, G. & Stewart, F. (2003). "Economic growth and human development in Latin America", Yale Economic Growth Center Discussion Paper, No.826.

Stiglitz, J. (1999). Participation and development perspectives from the comprehensive development paradigm. International conference on democracy, market economy and development, Seoul, Korea. February 27.

United Nations (2002). Financing global social development symposium, February 7. Annotated agenda and programme of work. Department of economic and social affairs, United Nations. New York.